

دست شفقت بر سر نهاد بچکان ما را سازد بدلا آخر ایشا را روزی بده بوده است
 اگر فرزندان خود را نوبه نشاید آن گفته را بدان یتیم دهید تا نوبه شما را بیاورد
 همه عالم صلی الله علیه و سلم روزی بینی را گویان دید گفت من ایکی هذا الیتیم که کر
 یا نداین یتیم را که هر که یتیم بگرد عرش خدای مجتبی در آید یتیم زود بیاورد
 سری یتیم محمد صلی الله علیه و سلم بود روزی میگفت کنت فی الصغر شیئا و فی الکبر
 غیبا گفت در خردی یتیم بودم و در بزرگی غریب محرم یتیم محمد صلی الله علیه و سلم
 که رحله یتیمان رحمت کن بحرم غریب محمد صلی الله علیه و سلم که جمله غریبان را بطن
 ایشان باز و رسان امین **الفصل الخامس** قوله تعالی یوفون بالذی نجاؤن
 یوما کان سن مستطیرا علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه روزی ترش روی بخصم
 محمد صلی الله علیه و سلم درآمد رسول گفت ما صامک چه رسید ترا گفت یا رسول الله
 چکر گوشه من حسن بیا شده است گفت دارو کن گفت چهره دارو کنم گفت صدقه
 ده خداش بیامرزاد که چون عزیزان را بیماری رسید داوی مصطفی صلی الله علیه
 و سلم کنند علی بن ابی طالب آمد حواصون قیامت را گفت رسول صدقه داد فرموده است
 و من هیچ نمی دارم فاطمه گفت در خانه نمی بینم است بغوش و قلیل حرم بخت را آن کنم
 و قرض ما و من و صدقه بدهم چنان کردند و قرضها ساختند و بده را باز دادند

همان

همان ساعت که آنس که سنگی در دوش بواسطه آن صدقه بشت آتش تبار حق حسن
 دفع شد و او را صلاک بالصلوة سوا علی و صردا هفت آیه منزل شد باو بکجا را
 چهل چهار بله هزار دینار تسبیح بهاد یکی آیه که ولا حدید عنک من نعیم محرمی پیش نیامد
 جواهر آن حرم عن و ص را نبود نشان پنج انگشت فاطمه بود که بر پشت آن قرص پیدا
 آمد بود و بران زرها را بویگر داغ نشان نوشتن بود لا حرم بحرم نشان انگشتان
 فاطمه هفت آیه در حق ایشان نازل شد خلا بی بیاراد که چون صدقه دهد بدین
 پارسای جمله خود دهد نزد زندانیان بی شمار بفرستد اگر دعای زندانیان بی نماز را
 اثر بود دعای درویش پارسا را پیش اثر بود زنده کانی را غنیمت آن که ترا بی در خاک
 آرزوی صدقه خواهد بود و نتوانی مادری فرزندی فقه خود را در خواب بدی که
 می گفت ای مادر مرا آرزوی خیره است چون از خواب بیدار شد باوی چیزی نبود که
 جهت وی خیره بخورد و صدقه بدهد سیدی بدست گرفت و از کوچها سیدی جمع کرد
 و آن پوستها و ایشنت ببرد و در واژه با لیتاد و یک بیک پوست را در دهن ستور
 کر سندی نهاد شب بیکر فرزند را بخوابید که سبکو بدجان مادر خدای جزای خیر
 ده ماد که مرا با آرزوی من رسانیدی پوست که بستی روی منی ضایع نمیشود اگر بفر
 بخت و بستی منی ضایع شود صدقه بدهم راه با میان می آید و اگر من نشاء ایما